

در باره زندگی رفیق شهید زهرا آقا نبی قلهکی!



رفیق زهرا ، سمبل برجسته یک زن انقلابی پیشرو ، یکی از رهروان صدیق طبقه کارگر و کمونیستی پیگیر بود که با همه وجود برای رهائی کارگران و ستمدیدگان از زندگی خود مایه می گذاشت. او در طی چند سالی که در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه این دشمن غدار کارگران و ستمدیدگان جنگیده بود ، به کادر ورزیده ای بدل شده بود که قابلیت هایش از چشم هیچ رفیقی پوشیده نمی ماند.

از کارگری در کارخانه کفش بلا برای شناخت هر چه عینی تر شرایط کار و مبارزه کارگران ، تا عملیات اعدام انقلابی عباس شهریاری مرد هزار چهره ساواک در ۱۴ اسفند ۱۳۵۳ ، از داشتن مسئولیت یکی از پایگاه های سازمان در شهر گرگان ، تا عملیات انقلابی بمب گذاری در پاسگاه ژاندارمری سلیمانیه تهران در ۱۹ بهمن سال ۵۳ و در سالگرد رستاخیز سیاهکل - سر آغاز جنبش مسلحانه در ایران - خلاصه کمتر حوزه ای از فعالیت های مبارزاتی سازمان در آن سال ها بود که چریک فدائی خلق رفیق زهرا در آن فعالانه شرکت نکرده باشد. با آغاز مبارزه مسلحانه در ایران و اعلام جنگ چریکهای فدائی خلق به رژیم شاه با توجه این واقعیت که در شرایط ایران "اعلان جنگ خود جنگ است" ، چریکهای فدائی عملاً درگیر جنگی خونین و نابرابر شدند. در جریان این جنگ ، خیلی زود پیام رزمندگان چریک ، سراسر فلات خونین را در نوردید. به واقع خود دشمن وحشت زده ، بیش از همه این پیام را در در وسعتی غیر قابل تصور در سراسر جامعه پخش نمود.

پیام چریک ها روشن بود: "وظیفه هر محفل و گروه انقلابی است که با هر امکانی که دارد و به هر شکلی که می تواند مبارزه مسلحانه را آغاز کند و ضربات خود را بر دشمن فرود آورد". با انعکاس همین پیام بود که محافل و گروه های مبارز مختلفی بسوی چریکهای فدائی خلق روی آوردند. از جمله این محافل ، گروهی بود که رفقا بهمن روحی آهنگرانی ، حمید مومنی و نزهت السادات روحی آهنگرانی شکل داده بودند. این گروه که رفیق زهرا از اعضای آن بود ، با پذیرش تئوری مبارزه مسلحانه که از سوی دو تن از رفقای بنیانگذار چریکهای فدائی (رفقا پویان ، احمدزاده) تدوین شده بود ، در اواخر سال ۵۱ و اوائل سال ۵۲ به چریکهای فدائی خلق پیوستند.

رفیق زهرا به اتفاق همسرش رفیق علیرضا شهاب رضوی که در سال ۵۲ با هم ازدواج کرده بودند ، از جمله رفقائی بودند که در همین چهارچوب به سازمان پیوستند و با توجه به پیگرد های نیروی سرکوب دشمن ، در اواخر سال ۵۲ زندگی مخفی در پیش گرفتند. متاسفانه رفیق علیرضا در ۱۸/۳/۱۳۵۳ دستگیر و چند روز بعد یعنی در ۲۶ خرداد همان سال در زیر شکنجه به شهادت رسید.

رفیق زهرا در شرایطی که رفیق و همسر مبارزش را از دست داده بود ، با قلبی پر از عشق به آرمان های رهائی بخش طبقه کارگر به مبارزه خود برای برقراری سوسیالیسم و رهائی کارگران از قید سلطه سرمایه داران ادامه داد. به این منظور وی به یکی از پایگاه های سازمان در اهواز منتقل شد و پس از مدتی فعالیت در این پایگاه ، در اواخر تابستان ۵۴ همراه با رفقا بهمن روحی آهنگرانی و فرهاد صدیقی پاشاکی به ساری رفت تا به کمک رفقای ارزنده ای چون مصطفی حسن پور و علیرضا رحیمی علی آبادی ، شاخه مازندران سازمان را شکل دهند. در بستر همین تلاش ها بود که پایگاه های سازمان در شهر های مختلف مازندران یعنی در ساری ، بابل ، گرگان و... به وجود آمدند. متاسفانه در بستر ضرباتی که در دی ماه سال ۵۴ به این قسمت از سازمان وارد گشت ، رفیق زهرا در ۱۸ دی ماه دستگیر و بعد از بیش از یازده ماه شکنجه و بازجویی ، در ۲۹ آذر ماه ۱۳۵۴ توسط رژیم ددمنش شاه تیرباران شد. به این ترتیب طبقه کارگر ما یکی از پیشروان آگاه و زنان رزمنده خود که در سال ۱۳۳۲ در ده اوین متولد شده بود را در حالی که تنها ۲۲ سال سن داشت، از دست داد .

یاد رفیق شهید زهرا آقا نبی قلهکی گرامی و راهش بر رهرو باد !